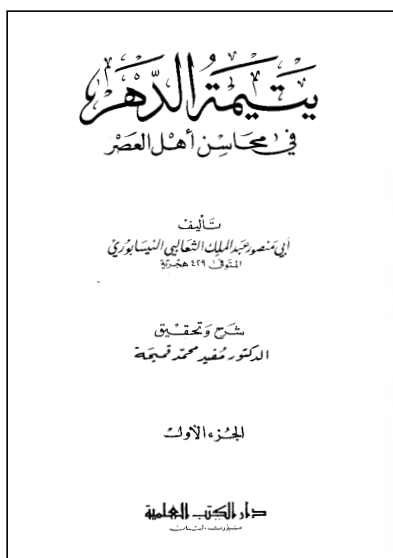


# جایگاه تاریخی - فرهنگی

## خاندان حمدانی در یتیمه الدهر ثعالبی

○ عبدالرفیع رحیمی

○ یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر  
○ نگارش: ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل الثعالبی  
النیشابوری  
○ تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید  
○ ناشر: دار الفکر، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۹۷۳، ۱۳۹۲ هـ، ۴ ج



درباره اهمیت چهره فرهنگی  
«سیف الدوله»  
همین نکته کافی است که  
«ثعالبی» بیان می دارد:  
«در خدمت هیچ یک از ملوک -  
بعد از خلفا - این همه  
از شیوخ شعرا جمع نشد  
که در خدمت سیف الدوله»



را می توان در مطالعه متون و منابع فرهنگی قرون بعدی که جملات و تعابیر به کار گرفته شده توسط ثعالبی را عیناً نقل کرده اند، دریافت. تلاش نگارنده بر این بوده تا مباحث تاریخی - فرهنگی خاندان حمدانی را از منظر کتاب یتیمه الدهر ارائه نماید. لازم به ذکر است که ثعالبی در یتیمه اخبار شعرای قرن چهارم را گرد آورده<sup>۷</sup> و در واقع این کتاب، «شامل متون برگزیده ای از شاعران عمده زمان خویش است. هر یک از این قطعات منتخب با اطلاعاتی درباره زندگی شاعران همراه است که آنان را برحسب سرزمین شان طبقه بندی کرده است. برای بیان ویژگی های آثار منظوم یا منثور افراد، وی نمونه ای از هر یک نقل کرده و خود نظری ابراز نداشته است.»<sup>۸</sup> در حقیقت ثعالبی در یتیمه کوشیده است: «موفق ترین اشعار، قطعات ادبی و توصیفات استعاری و صنایع بدیعی شاعران را جمع آوری

هجری در دو منطقه موصل و حلب امارتی تشکیل دادند. این دو منطقه، خواه ناخواه آنان را به دو شاخه عمده حمدانیان «موصل» زیر نظر حسن (ناصرالدوله) و حمدانیان «حلب» به رهبری علی (سیف الدوله) تقسیم کرد. هر دو گروه تا اواخر قرن چهارم موفق به حفظ اسمی امارت خاندان خود گردیدند. اما راهی که شاخه حلب پیمود آنان را به عنوان برجسته ترین حامیان فرهنگ و ادب تمدن اسلام به جهانیان معرفی کرد. خصوصاً سال های ۳۳۳ تا ۳۵۶ هجری یعنی آغاز امارت سیف الدوله بر حلب تا سال وفات او از این جهت بسیار شاخص است.

ثعالبی در جلد اول کتاب یتیمه الدهر چهره ای تاریخی - فرهنگی از این خاندان به دست می دهد که بسیار با اهمیت است. در واقع با ابتکار و همت ثعالبی است که چهره درخشان خاندان حمدانی شاخه حلب به جهانیان معرفی می شود. این نکته

عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ابومنصور الثعالبی یکی از چهره های درخشان فرهنگی خطه خراسان (اهل نیشابور)<sup>۲</sup> در قرن چهارم و پنجم هجری است. تولد او را سال ۳۵۰ هجری و وفات وی را در سال ۴۲۹ هـ. ق. می دانند.<sup>۳</sup> او را از ائمه لغت و ادب می شمارند.<sup>۴</sup> که در تاریخ نگاری و ایام الناس نیز مهارت داشته است.<sup>۵</sup> بزرگترین، جامع ترین و مشهورترین کتاب وی یتیمه الدهر است. زرکلی و ابن خلکان از برخی کتب دیگر وی همچون فقه اللغة، سحر البلاغه و سر البراعه، مونس الوحید و... نام برده اند.<sup>۶</sup> واقعتاً آن است که یتیمه تأثیری بسیار گسترده و عمیق در اکثر کتب ادبی پس از خود - خصوصاً در معرفی خاندان حمدانی و چهره فرهنگی آنان - برجای گذاشته است. خاندان شیعه مذهب حمدانی در قرن چهارم

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کرده و ارائه دهد.<sup>۹</sup>

### معرفی اجمالی تیمه الدهر و محتویات آن:

این کتاب در طبع جدید چهارجلدی است:

جلد اول به ذکر سیف الدوله حمدانی (ابی الحسن علی بن عبدالله بن حمدان) و سپس به شرح حال ابوفراس حارث بن سعید بن حمدان و شعرای آل حمدان (منظور حمدانیان حلب) پرداخته است. همچنین از قاضیان و کتاب آنان نیز سخن به میان آورده است. آنگاه به متنبی (ابی الطیب) اشاره کرده و درباره برخی از اشعار و ویژگی‌های وی به تفصیل داد سخن داده است به گونه‌ای که بیش از ربع کتاب (جلد اول) به او اختصاص دارد. پس از آن ضمن شرح حال چند تن دیگر از شعرای دربار حمدانی به شعرای اهل شام و مصر و مغرب

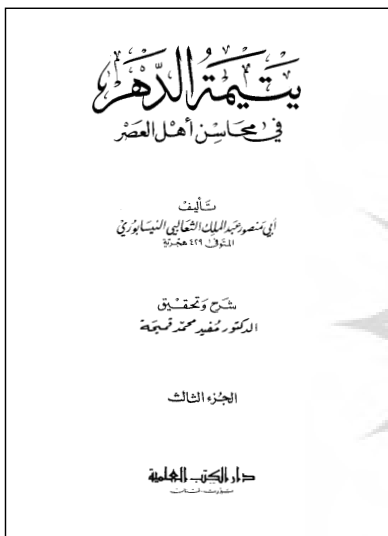
اهل بَست و خراسان و نیشابور را نیز ذکر کرده و کتاب را بدین گونه به پایان می‌برد.

سبک و سیاق نگارش این کتاب که به گفته محمد محیی‌الدین عبدالحمید<sup>۱۰</sup> از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده بعدها توسط علمای قرن پنجم و ششم مورد تقلید قرار گرفته و بر آن ذیلیها و تکمله‌ها نوشته‌اند.<sup>۱۱</sup> این کتاب همانگونه که در معرفی محتوای مجلدات آمد قسم اول در محاسن شعرای آل حمدان و شعرای آنان و شعرای اهل شام و مصر و موصل و گوشه‌ای از اخبار آنها است که به صورت مختصر با استفاده از اطلاعات تاریخی خاندان حمدانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در باب اول نویسنده کوشیده است فضیلت‌های شاعران شامی را بر شاعران عراقی در

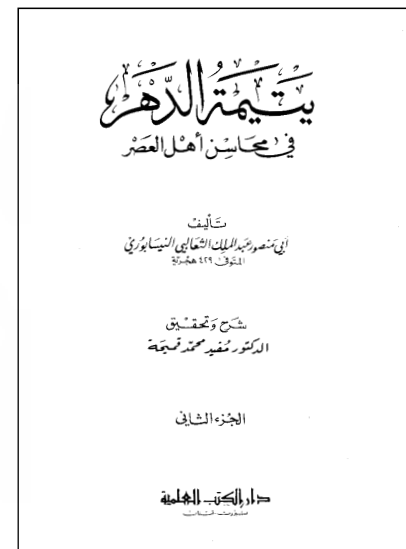
را در سیادت و آقایی که مشهورترین فرد خاندان حمدانی است می‌ستاید.<sup>۱۲</sup>

ثعالبی می‌کوشد در کتاب خود بهترین تعاریف ممکنه را از سیف‌الدوله به دست دهد و وقتی از او یاد می‌کند عنوان و واژه - رضی الله عنه و ارضاه و جعل الجنة مأواه -<sup>۱۳</sup> را در حق او به کار می‌برد. او را پیشوای زمانه و ستون اسلام می‌شمارد که مرزهای اسلام (در مواجه با رومیان) به وجود او مستحکم شد و امور مملکت در ظل عنایت او سامان یافت و با توجه به جنگ‌ها و نبردهای متعددش، با روم وی را دارای آثار نیکو در اسلام می‌شمارد.

درباره اهمیت چهره فرهنگی سیف‌الدوله همین نکته کافی است که ثعالبی بیان می‌دارد:



## تیمه الدهر، تأثیری بسیار گسترده و عمیق در اکثر کتب ادبی پس از خود - خصوصاً در معرفی خاندان حمدانی و چهره فرهنگی آنان - برجای گذاشته است



اشاره کرده و بدین گونه جلد اول پایان می‌یابد. ثعالبی در جلد دوم کتاب خود به معرفی بقیه شعرای گروه مغرب و اندلس پرداخته و شعرای منطقه موصل و شعرای ملوک آل بویه و شعرای منطقه بصره و عراق و بغداد را نیز معرفی کرده است.

جلد سوم به ادامه بحث در مورد شعرای خطه بغداد اختصاص دارد یک باب از این جلد به شریف رضی می‌پردازد و همچنین در مورد ابن العمید و فرزند وی و صاحب بن عباد و شرح حال شعرای اصفهان و آفاق دیگر پرداخته و مابقی جلد سوم به شعرای جبل و فارس و اهواز اختصاص یافته است. در جلد چهارم شعرای طبرستان و گرگان و خراسان و ماوراءالنهر مدنظر قرار گرفته‌اند. همچنین از شعرای منطقه بخارا نام برده و از فضلاء خوارزم نیز یاد کرده است. فصلی را هم به بدیع الزمان همدانی اختصاص داده سپس شعرای

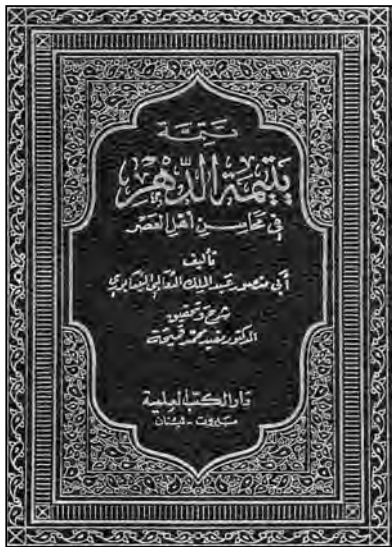
«در خدمت هیچ یک از ملوک - بعد از خلفا - این همه از شیوخ شعرا جمع نشد که در خدمت سیف‌الدوله.»<sup>۱۴</sup>

ثعالبی ضمن آنکه پاره‌ای از اشعار متنبی، ابوفراس، النامی و دیگران را در جود و کرم و سجایای اخلاقی سیف‌الدوله نقل می‌کند به چشمه‌های جوشان بذل و بخششهای سیف‌الدوله نسبت به شعرا اشاره دارد و از عطایای او نسبت به چند تن با ذکر امثال و شواهد سخن به میان می‌آورد.<sup>۱۵</sup>

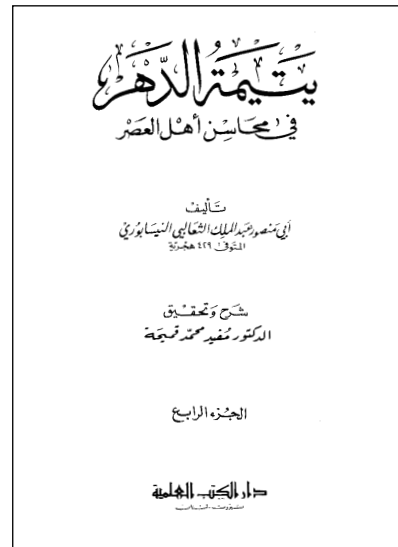
نکته مهم در نوشته ثعالبی گزارشی است بسیار مختصر در مورد جنگ‌ها و نبردهای سیف‌الدوله با اخشیدیان و ظهور فردی از خوارج معروف به مبرقع<sup>۱۶</sup> که توسط سیف‌الدوله از میان برداشته می‌شود و در همین راستا، شمه‌ای از قصایدی را که در مدح پیروزی سیف‌الدوله آمده نقل کرده است.

عصر جاهلیت و پس از اسلام بیان کند. لذا از زمره شعرای معروف چند تن را نام می‌برد و در عصر خود به خاندان حمدانی اشاره می‌کند که چگونه شمشیر و قلم را با یکدیگر جمع کردند. سپس تعدادی از شعرا و فضایی را که در خدمت سیف‌الدوله گرد آمدند برمی‌شمرد مانند ابن خالویه، شمشاطی، متنبی، النامی و سایر بزرگان شعر و ادب.

در باب دوم به ذکر سیف‌الدوله (ابی‌الحسن علی بن عبدالله بن حمدان) می‌پردازد و اخباری از او به دست می‌دهد. آنچه مهم است این که نویسنده در ابتدای این باب بحثی کلی دارد که در آن به طور عموم بنی‌حمدان را امرایی خوش‌چهره، زبان‌آور، بخشنده و عاقل می‌شمارد و در این میان محضر فرهنگی سیف‌الدوله را مقصد هیأت‌ها و سرچشمه بخشش و قبله آفاق و منزلگاه مردمان و محفل ادیبان و حلقه شاعران می‌داند و سیف‌الدوله



## با ابتکار و همت ثعالبی است که چهره درخشان خاندان حمدانی شاخه حلب به جهانیان معرفی می شود. این نکته را می توان در مطالعه متون و منابع فرهنگی قرون بعدی که جملات و تعابیر به کار گرفته شده توسط ثعالبی را عیناً نقل کرده اند، دریافت



- انباء ابناء الزمان، حقهه دکتر احسان عباس، جلد سوم، بیروت، دار صادر، ص ۱۸۰.
- ۴ - خیرالدین زرکلی، همان، ص ۱۶۳.
- ۵ - ابی الفداء حافظ ابن کثیر: البدایه والنهایه فی التاریخ، المجلد السادس، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۴۷.
- ۶ - احمد بن محمد، همان، ص ۱۸۰ و خیرالدین زرکلی، همان، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.
- ۷ - خنالفخوری: الموجز فی الادب العربی و تاریخه، ج دوم، الطبعة الثانية، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۱ هـ ۱۹۹۱ م، ص ۱۴۶.
- ۸ - ج. م. عبدالجلیل: تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذرنوش، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۱۰.
- ۹ - هامیلتون. آر. گیب: درآمدی بر ادبیات عرب، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۰۴.
- ۱۰ - عبدالملک بن محمد: ثعالبی نیسابوری، یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، به تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، ج اول، الطبعة الثانية، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۲ هـ ۱۹۷۳ م، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۱۱ - هامیلتون، همان، ص ۱۰۴.
- ۱۲ - عبدالملک بن محمد یتیمه الدهر، همان، ص ۱۵.
- ۱۳ - همانجا.
- ۱۴ - همان، ص ۱۶.
- ۱۵ - همان، ص ۲۰.
- ۱۶ - همان، ص ۲۴.
- ۱۷ - همان، ص ۲۸.
- ۱۸ - همان، ص ۲۹.
- ۱۹ - همان، صص ۳۴ تا ۳۱.
- ۲۰ - همان، ص ۳۵.
- ۲۱ - همانجا.
- ۲۲ - همان، ص ۳۸.
- ۲۳ - همان، ص ۸۱.
- ۲۴ - همان، ص ۸۸.
- ۲۵ - همان، ص ۸۹.

سیف الدوله حق مربی خود و سیادت او را حفظ می کرده و شمشیر و قلم را در خدمت او به کار گرفته است.<sup>۱۱</sup>

از اهمیت ویژه دیگری که در باب مسائل تاریخی بین ابوفراس و سیف الدوله مطرح است بحث جانشینی ابوفراس بر شام به هنگام عزم سیف الدوله برای جهاد است.<sup>۱۲</sup> همچنین مناظره بسیار جالب دمستق فرمانده نظامی رومیان با ابوفراس که در آن ابوفراس، دمستق را با برهان و دلایل قوی محکوم می کند،<sup>۱۳</sup> سپس اشعار فراوانی از ابوفراس نقل کرده و در پایان با جمله «اللهم ارحم تلك الروح الشریفه» ارادت خود را نسبت به ابوفراس به اثبات می رساند.<sup>۱۴</sup>

از دیگر مسائل مطرح شده توسط ثعالبی پرداختن به شعرای آل حمدان همچون ابازهبیر مهلهل بن نصر بن حمدان<sup>۱۵</sup> است. وی آنگاه سخن را با خاصان شعرای سیف الدوله خصوصاً متنبی پی می گیرد و با ذکر شعرای ذیل که در زمره خواص سیف الدوله بودند سخن را به پایان می برد:

ابوالعباس النامی، ابوالحسین الناشیء الاصفغر، ابوالقاسم الزاهی، ابوالفرج البیغا، الخلیع الشامی، الواءء الدمشقی، ابی طالب رقی و...

### پی نوشتها:

- ۱ - برای اطلاع بیشتر از شرح حال ثعالبی لطفاً مراجعه کنید به مقدمه کتاب:
- عبدالملک بن محمد (ثعالبی): ثمارالقلوب فی المضاف والمنسوب، ترجمه رضا انزابی نژاد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۶؛ و نیز - عبدالملک بن محمد (ثعالبی): لطائف المعارف، ترجمه علی اکبر شهابی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، مقدمه دو استاد.
- ۲ - خیرالدین زرکلی: الاعلام، الجزء الرابع، الطبعة العاشرة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲ م، ص ۱۶۳.
- ۳ - احمد بن محمد (ابن خلکان): وفیات الاعیان و

یکی از فرازهای مهم بحث ثعالبی باز اشاره ای مختصر و گذرا اما پرمعنی به نبردهای سیف الدوله با رومیان است در آن جا تصریح می کند که سیف الدوله بیش از چهل جنگ با رومیان<sup>۱۶</sup> داشته که در بعضی پیروز شده و در بعضی از نبردها شکست خورده است. اما اشاره مختصر ثعالبی بیشتر به پیروزی های سیف الدوله بر رومیان است که در آن به اسارت قسطنطین بن دمستق اشاره کرده و اشعار متنبی و ابوفراس را به طور اشاره و گذرا در این خصوص آورده است. این امور از جهت نزدیکی دوران ثعالبی به خاندان حمدانی حائز اهمیت است.

در فرازی دیگر، ثعالبی به واقعه تاریخی دیگری اشاره می کند که بنای قلعه ای بسیار بزرگ در مرز با رومیان توسط سیف الدوله است. اقدامی که خشم پادشاه روم را برانگیخت و موجب هجوم آنان با صلیب اعظم به قلعه شد، اما از سیف الدوله شکست سختی خوردند در این نبرد داماد دمستق به اسارت سیف الدوله<sup>۱۷</sup> درآمد و جمع زیادی از رومیان به قتل رسیدند. این واقعه راه شعرا، مخصوصاً متنبی توصیف کرده اند.

ثعالبی همچنین به گوشه هایی از اشعار دلپذیر سیف الدوله نیز اشاره کرده است.<sup>۱۸</sup>

ثعالبی در باب سوم جلد اول یتیمه به ذکر ابوفراس (حارث بن سعید بن حمدان) پسرعموی سیف الدوله پرداخته و چهره ای بسیار درخشان از او به دست می دهد و ضمن آنکه او را با عباراتی زیبا همچون یگانه روزگار، خورشید زمانه، ادیب و فاضل<sup>۱۹</sup> و... می ستاید، از وجود روابط بسیار نزدیک میان سیف الدوله و ابوفراس سخن می گوید. وی خاطر نشان می کند هوش و ذکاوت ابوفراس مایه تعجب سیف الدوله گشته بود. همچنین ابوفراس جزو یاران نزدیک سیف الدوله و همصحبت او و جانشین او بر مناطق مختلف بود. به قول ثعالبی ابوفراس نیز در مکاتباتش با